

جنگ کوچکی که جهان را تکان داد: گرجستان، روسیه و آینده غرب*

مکس هستینگ

شبهت دارد تا یک دموکرات، بر این باور است که غرب با امتناع از اتخاذ یک سیاست حمایتی قاطع از تمایل گرجستان برای عضویت در ناتو، اعزام ناظران اتحادیه اروپا به اوستیای جنوبی و آبخازیه و ارسال پیام‌های روشن بازدارنده به مسکو در مراحل پیش از جنگ ۲۰۰۸، دچار اشتباه شد.

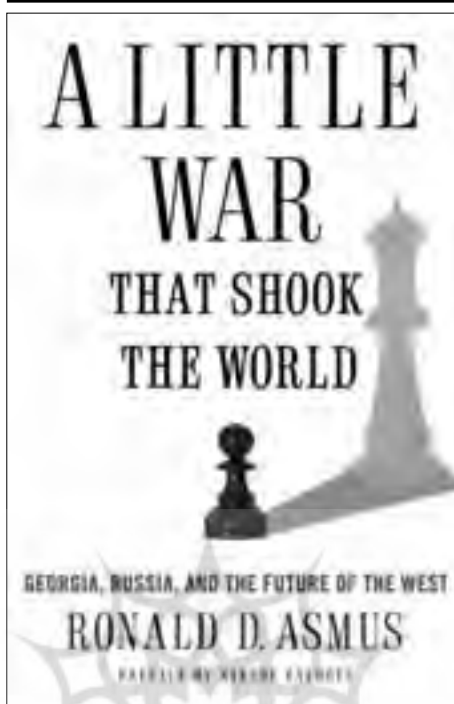
تشکیلات بوش ساکاشویلی را به ضیافت خواند، از خواسته‌هایش حمایت کرد و از این که گرجی‌ها عاشق امریکا بودند مشعوف شد. سناتور هیلاری کلینتون و جان مک کین هر دو خواستار آن

شدند که ساکاشویلی نامزد جایزه صلح نوبل گردد. اگرچه واشنگتن به کرات به او هشدار داد که به صورت نظامی با روس‌ها سرشاخ نشود، ولی ساکاشویلی در این خواب و خیال بود که دوست عزیزش جرج دبلیو بوش هیچ گاه او را به حال خود رها نخواهد کرد.

حتی هنگامی که گرجی‌ها بر روی روس‌ها آتش گشودند، دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور امریکا - همان‌گونه که از او انتظار می‌رفت - خواستار آن شد که ایالات متحد گزینۀ نظامی را نیز مدنظر قرار دهد. ولی عقلای تشکیلات بوش که ماه‌های آخر زمامداریش را سپری می‌کرد، راه را بر مداخله بستند. امریکا که اعتبار جهانی خود را در عراق از دست داده بود، در مقابل تجاوز روسیه - نامی که می‌توان بر اشغال گرجستان نهاد - جز یک واکنش شکسته - بسته، کار دیگری نتوانست صورت دهد.

در نتیجه، امر مذاکره به سارکوزی محول شد و این گفت‌وگوی به یاد ماندنی که در ۱۲ اوت میان سارکوزی و پوتین در مسکو صورت گرفت یادگار آن دوره است. پوتین: «می‌خواهم ساکاشویلی را از اسافلش دار بزنم». سارکوزی - شگفت‌زده - «دار بزنی؟». پوتین: «چرا که نه؟ امریکایی‌ها صدام حسین را دار زدند». سارکوزی: «ولی شما که نمی‌خواهید به سرنوشت بوش دچار شوید؟» پوتین: «آری، این هم نکته‌ای است.»

امروزه امریکایی‌ها به خاطر رویکرد فاتحانه‌ای که از ۱۹۹۰ به بعد در قبال روسیه اتخاذ کردند، بهای سنگینی می‌پردازند. مواضع آن‌ها در قبال فاتحان جنگ سرد، باعث تلخکامی و پارانوایی بیش



A Little War that Shook the World. Ronald Asmus. Palgrave Macmillan. pp. 272.

در ۷ اوت ۲۰۰۸ نیروهای گرجی در کشور خود، ولی در حوزه‌ای که تحت تصرف جدایی‌طلبان متکی به مسکو بود، نبردی را علیه ارتش روسیه آغاز کردند. پنج روز بعد نیرویی به مراتب برتر از واحدهای روسیه با تانک‌هایی که در فاصله‌ای کمتر از دو ساعت به تفلیس موضع گرفته بودند، بخش غربی گرجستان را اشغال کردند.

اگرچه آن‌ها پس از مذاکراتی که توسط نیکلای سارکوزی آغاز شد، عقب‌نشینی کردند ولی ایالات موضوع مناقشه اوستیای جنوبی و آبخازیه در حال حاضر از لحاظ صوری مستقل‌اند و بخشی از اقمار مسکو به شمار می‌روند. رونالد آموس یکی از صاحب‌نظران امور استراتژیک که در دوره بیل کلینتون در وزارت خارجه امریکا خدمت می‌کرد، در کتابی که اخیراً در این زمینه منتشر کرده است از این مناقشه به عنوان نقطه عطفی در روابط میان مسکو و غرب یاد می‌کند: «این جنگ بدون تردید مبین سیاست جدیدی است از سوی مسکو در جهت تهدید و بازسازی موقعیت از دست رفته‌اش.»

ولادیمیر پوتین و پیروانش دیگر بیش از این تحمل ندارند که دولت‌هایی حساس در جوار مرزهای روسیه برای عضویت در اتحادیه اروپا و یا از آن بدتر ناتو اقدام کنند. بیش از دو سال پیش پوتین به میخائیل ساکاشویلی، رئیس‌جمهور گرجستان گفت که باید میان دوستی با روسیه یا غرب، یکی را انتخاب کند و عواقب گزیدن مورد آخر را نیز تصریح کرد. چندی پیش نیز مدودف، رئیس‌جمهور روسیه، اظهار داشت: «روسیه نیز مانند بسیاری از دیگر کشورهای جهان، در مناطقی چند منافع خاصی دارد.» و این خود نکته‌ای است یادآور معضل اصلی غرب در مورد گرجستان، اوکراین و جمهوری‌های آسیای میانه. آیا حاکمیت تلویحی، حال اگر نگوییم صریح مسکو را پذیرفته و از اصولی چون حق این جوامع بر انتخابی آزاد و دموکراتیک صرف نظر می‌کنیم؟

کتاب آموس که بیشتر به نوشته یک نومحافظه کار واشنگتن

از پیش روس‌ها شده است. آن‌ها برخلاف چینی‌ها، برای تحت تأثیر قراردادن جهان جز نفت و گاز و قابلیت ارباب، چیز دیگری ندارند. برای بهره‌برداری از این موارد نیز روز به روز رغبت بیشتری می‌یابند. غرب به هیچ وجه نخواست این نکته را بپذیرد که اقدامش در شناسایی استقلال کوزوو از صربستان در فوریه ۲۰۰۸، حس همبستگی روسیه با اسلاوها را جریحه‌دار کرده است. می‌بایست واکنشی نشان دهد. اگرچه اروپایی‌ها هیچ‌گاه به اندازه واشنگتن برای عضویت اوکراین و گرجستان در ناتو شور و شوق نداشتند ولی در نشست آوریل ۲۰۰۸ ناتو در بوخارست نیز در مقابل اقدام بوش جهت استقبال از این تمایلات و خواسته‌ها، مخالفتی نشان ندادند. و این در حالی بود که همزمان ایالات متحده کماکان بر استقرار موشک در اروپای شرقی اصرار می‌ورزید.

به عقیده آسموس از این مرحله به بعد بود که روس‌ها بر آن شدند هم به گرجستان و هم به غرب درسی بدهند که آن را هیچ‌گاه فراموش نکند. او در این کتاب در مورد جوانب مختلف جنگ ۲۰۰۸ دیدگاه‌های تازه‌ای را نیز مطرح می‌کند. و این در حالی است که معمولاً تصور می‌کنیم سیستم‌های نظارتی الکترونیک از همه چیز خبر می‌دهند حال آن که چنین نیست. حملات سایبر روس‌ها یکی از نکاتی است که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است. وب سایت ساکاشویلی هک شد و در آن تصاویری از هیتلر نشانده شد و احتمالاً به منظور ایجاد اغتشاش اقتصادی، کامپیوترهای مؤسسات مالی گرجی مختل گردید. این خود نشانی از سمت و سوی درگیری‌های آتی در عرصه بین‌الملل دارد.

ولی کتاب آسموس، کتاب محکمی نیست. نقشه ندارد و پاره‌ای از نتیجه‌گیری‌های اصلی‌اش نیز محتاج توضیح بیشتر است. او می‌نویسد: «تاریخ اروپا بارها و بارها به ما آموخته است که رها ساختن ارزش‌های لیبرال دموکراتیک به امید جذب حسن ظن قدرت‌های خودکامه، جز بی‌ثباتی دراز مدت حاصل دیگری نخواهد

داشت. سران اتحادیه اروپا باید یک بار دیگر برای بازسازی و توسعه یک غرب دموکراتیک، اراده سیاسی و تخیل استراتژیک لازم را فراهم کنند.» او نیز مانند بسیاری از سران حزب محافظه کار بریتانیا بر این اعتقاد است که امکان عضویت در ناتو باید برای آن گروه از کشورهای اوراسیا که خواهان آن باشند، کماکان میسر باقی بماند. با این حال بسیاری از ما نیز خاطر نشان می‌کنیم که تاریخ درس‌های آموختنی دیگری هم دارد؛ از جمله آن که معاهدات و پیمان‌هایی که یک اراده واقعی در جهت عمل به مفاد آن‌ها را در مقام ضامن و پشتیبان نداشته باشد نیز جز مصیبت و نیستی، ثمری نخواهند داشت. اگر روزی لازم شود آیا غرب حاضر است به خاطر اوکراین و گرجستان با روسیه وارد جنگ شود؟ اگر چنین نیست، پس تظاهر به آن نیز سبکسری است.

روسیه برای ثبات بین‌المللی یک معضل جدی است. خواهان احترام است ولی برای کسب آن تلاش چندانی نمی‌کند و در کنار این مسئله، هنوز هم بر اساس یک سنت تاریخی از خودکامگی و تهدید علیه همسایگانش استفاده می‌کند.

آسموس می‌نویسد که روسیه برای پیروزی‌اش در گرجستان، باز دست‌دادن اعتماد جهانی، بهای سنگینی پرداخت کرده است. ولی امریکا نیز با معیارهای دوگانه و مداخلات نسجیده‌اش در خارج – و بیش از همه در عراق – جایگاه جهانی خود را خدشه‌دار ساخته است. پرزیدنت اوباما برای جبران این لطمات وارد کار شده، ولی این کار زمان می‌خواهد. و در این میان به جای تظاهر به اصول و ارزش‌هایی که با واقعیت‌های نظامی نیز کوچک‌ترین سختی ندارند، اتخاذ یک رشته مواضع محتاطانه دیپلماتیک در قبال مسکو، سنجیده‌ترین کاری است که می‌توان کرد.

Sundy Times, (Jan. 10, 2010).

* به نقل از:

علاقه‌مندان به اشتراک جهان کتاب می‌توانند پس از واریز حق اشتراک به حساب جاری ۶۹۱۱۵۵۱۱۵۸ نزد بانک ملت شعبه زهره، کد ۶۳۶۰/۲ (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت) به نام مؤسسه فرهنگی – هنری جهان کتاب، اصل رسید بانکی را به همراه برگ اشتراک تکمیل شده به نشانی تهران. صندوق پستی ۷۷۶۵-۱۵۸۷۵ ارسال فرمایند.

بهای اشتراک یکساله (۱۲ شماره):

در داخل کشور:

● برای اشخاص: ۱۰۰,۰۰۰ ریال

● برای موسسات و کتابخانه‌ها: ۱۲۰,۰۰۰ ریال

در خارج کشور:

● خاورمیانه و کشورهای همجوار: ۳۵۰,۰۰۰ ریال

● اروپا: ۳۵۰,۰۰۰ ریال

● امریکا، کانادا، استرالیا و خاور دور: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

شماره اشتراک:

مشخصات مشترک:

نام:

نام خانوادگی:

نشانی:

کد پستی:

تاریخ شروع اشتراک:

تلفن:

بزرگ
اشتراک